

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قال الله تبارك و تعالی:

﴿قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا﴾

سوره مبارکه شمس، آیه ۹

امام خامنه‌ای مدظله‌العالی:

درس خواندن و تهذیب اخلاق و هوشیاری سیاسی همراه با تلاش‌های انقلابی، وظائفی هستند که دختران و پسران این نسل باید آنها را هرگز فراموش نکنند. ۱۳۹۸/۹/۲۴

عنوان:

عبادت خدای خیالی!

شناسنامه مطلب	
t-114	کد مطلب
تزکیه‌ای / تقوای عمومی / اصلاح اندیشه / تغییر بینش / خدا	رده
اصلاح اندیشه، بینش، خدای خیالی، خدای واقعی	برچسب
	توضیحات

پایگاه تزکیه‌ای، علمی، بصیرتی و مهارتی نُمُو

nomov.ir

منشا عمل افراد دو صورت است:

الف) عادت‌ها و تعصبات

ب) بینش درونی و معرفت باطنی و فطری.

خود قرآن و روایات هم بر روش دوم، دستور اکید دارد.

اخلاق، تدین و عبادتی که بر اساس فطرت نباشد، عبادت خدای خیالی است. مشابه اعراب جاهلی که با دست خود، بت می‌تراشیدند و با ایمان راسخ برایش پرستش می‌کردند و محور زندگی و حاجت‌هایشان قرار می‌دادند.

سؤال عجیبی که مطرح می‌شود، این است که چگونه اعراب جاهلی، اشتباهی به این بزرگی می‌کردند و آن چه را که خود ساخته‌اند، این گونه می‌پرستیدند؟!

در حالی که ما هم همین کار را می‌کنیم؛ آن‌ها از سنگ، بت می‌ساختند و ما در خیال و ذهن خود ساخته‌ایم!

ریشه اشکالات بزرگی مثل جبر و اختیار و عدل الهی و دعا و قضا و قدر و ... هم از همین اعتقاد به خدای خیالی است. وقتی که خدایی هست و من هم هستم، حتماً عقل چنین سؤالاتی می‌کند.

اشتباه از این جاست که ما به خدای خیالی توجه داریم (خدایی است و منی هم هست). و جواب صحیح، وقتی داده می‌شود که خدایی را پرستیم که فطرت می‌شناسد.

- فرق ایمان به خدای خیالی با ایمان به خدای فطری:

□ بندگی خدای خیالی، بندگی خشک مقدسانه و بی‌روح و بی‌معناست.

□ بندگی خدای معرفت فطری، عبادتش بسیار لذت‌بخش، شیرین، معنی‌دار و تکامل‌بخش است.

در حالت اول: هر چه عبادت بیشتر می‌شود، عجب هم بیشتر می‌شود. هر چه پاکیزگی و عمل به دستورات الهی بیشتر می‌شود، خودبرترینی و توقعات از دیگران (من آدم مقدسی هستم و ارزش مرا

نمی‌دانند!) و تحقیر دیگران (بین چه کاری انجام می‌دهد، من دیگر این کارها را هرگز نمی‌کنم!) بیشتر می‌شود.

در حالت دوم: انسان را به هیچی و ذلت و پستی خودش در برابر خدا آگاه‌تر می‌کند. ذلت خودش را در خودش محسوس‌تر می‌کند و هر چه عبادت بیشتر می‌شود، نورانیت درونی قویتر می‌شود و با آن نور، حقیقت را بیشتر مشاهده می‌کند و در حرکت خود، حقارت‌ها و پستی‌ها و کتافت‌های خود را بیشتر مشاهده می‌کند و طوری در خود فرو می‌رود که جرأت این را هم ندارد که کسی حتی او را بنده خدا هم به حساب بیاورد.

خداوند به صراحت می‌فرماید: آن چه شما به عنوان خدا توصیف می‌کنید،

خلاف واقعیت است.

پس بنای زندگی‌تان باطل و پوچ است.